



روش‌های تربیتی «امر به معروف و نهی از منکر»

در سیره امام حسین علیه السلام

فاطمه جعفری *

مریم وفادار **

چکیده

امر به معروف و نهی از منکر از احکام واجب الهی است که اجرای آن اهمیت بسزایی در دور بودن جامعه از زشتی و هموار شدن مسیر سعادت برای افراد جامعه دارد. از این رو افراد جامعه اسلامی موظف اند در حد توان به این واجبات اهتمام داشته و تلاش خود را برای اقامه این امر مهم بکار گیرند. از آنجا که این واجبات به نوعی در رابطه با اجتماع است لازم است تا انسان از روش‌های درستی استفاده نماید تا نتیجه مؤثر داشته باشد. به این جهت می‌توانیم به سیره معصومین علیهم السلام رجوع نموده که خود آن بزرگواران مجسمه امر به معروف و نهی از منکر بوده و بهترین شیوه‌ها را برای تأثیر گذاری بیشتر و بهتر استفاده نموده اند. در مقاله حاضر به سیره امام حسین علیه السلام رجوع می‌کنیم؛ امامی که علت قیام خود را امر به معروف و نهی از منکر بیان نمود، و با بیان نمونه‌هایی از امر به معروف و نهی از منکر در طول زندگی ایشان علاوه به شناخت بهتر این واجبات الهی، روش‌های تربیتی آنها را بررسی نماییم تا بتوانیم این واجبات را به بهترین صورت اجرا نماییم. این نوشتار به روش توصیفی، تحلیلی گرد آوری شده است و نتایج حاصل از آن این است که شخص امر به معروف و ناهی از منکر به پیروی از سیره امام حسین علیه السلام علاوه بر اینکه باید شناخت کافی به معروف و منکر داشته باشد و خود عامل بدان باشد، باید شیوه‌ها و شرایط صحیح انجام این فریضه را نیز بداند تا مؤثر واقع شود.

کلید واژه‌ها: امر به معروف، نهی از منکر، سیره، امام حسین علیه السلام، روش‌های تربیتی.

* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد کلام اسلامی، جامعه المصطفی علیه السلام العالمیه نمایندگی خراسان / f.jafary258@gmail.com

** عضو هیئت علمی گروه فقه و معارف جامعه المصطفی علیه السلام العالمیه نمایندگی خراسان / Maryam_vafadar@miu.ac.ir

از جمله واجبات الهی در اسلام، مسئله امر به معروف و نهی از منکر است که در کنار سایر فروع مثل نماز، روزه و حج قرار می‌گیرد. این در امر واجب دارای وجهی اجتماعی است و مسلمانان موظف‌اند یکدیگر را به امور نیک دعوت و از منکر بازدارند. تا زمانی که افراد جامعه به این امر اهتمام داشته باشند جامعه به سوی سعادت پیش خواهد رفت و ترک آن موجب اشاعه زشتی‌ها در جامعه می‌گردد. پس بر ما لازم است که علاوه بر یادگیری معروف و منکر و تقویت معروف در خود و دوری از منکرات به شیوه‌های آن نیز آشنایی داشته باشیم. مراجعه به قرآن و سیره معصومین علیهم‌السلام بهترین راه برای شناخت معروف و منکر است. بر ما لازم است به این متون دینی مراجعه نموده و از راهنمایی آنها بهره ببریم. در مقاله پیش رو به سیره امام حسین علیه‌السلام مراجعه نمودیم و مواردی از امر به معروف و نهی از منکر را که مصداق بارز آن قیام عاشورا می‌باشد، در طول زندگانی پربرکت ایشان بررسی نمودیم و روش‌های تربیتی آنها را بیان کردیم تا در مسیر انجام این فرایض راهگشای ما باشند.

در موضوع امر به معروف و نهی از منکر و همچنین هدف قیام عاشورا کتابها و مقالاتی از جمله:

- کتاب حماسه حسینی از مرتضی مطهری؛
- پایان‌نامه تأثیر امر به معروف و نهی از منکر در اجتماع از محمد حسن سعیدی؛
- مقاله امر به معروف و نهی از منکر در سیره امام حسین علیه السلام از محمود صادقی خرم‌آبادی؛

و آثار بسیاری دیگری نگاشته شده است، اما تفاوت مقاله حاضر با سایر نوشته‌ها در این است که ما علاوه به آوردن نمونه‌هایی از امر به معروف و نهی از منکر در سیره امام حسین علیه‌السلام، روش‌های تربیتی را که برای ما قابل برداشت بوده از این آموزه استخراج نمودیم.



۱. تعریف اصطلاحات

۱. ۱. مفهوم سیره

سیره در لغت به معنای حالتی که انسان و دیگران در آن هستند، چه غریزی و چه اکتسابی، گفته می‌شود: فلان سیره نیکو و سیره زشت دارد. (راغب اصفهانی، ۱۴۲۴: ۴۳۳)

«سیره» در زبان عربی از ماده «سیر» است. «سیر» یعنی حرکت، راه رفتن. «سیره» یعنی نوع راه رفتن. سیره ر وزن فِعْلَةٌ است و فِعْلَةٌ در زبان عربی دلالت بر نوع می‌کند. مثلاً جَلَسَهُ یعنی نشستن، و جَلَسَهُ یعنی سبک و نوع نشستن. سیر یعنی رفتن، رفتار، ولی سیره یعنی نوع سبک رفتار. (مطهری، ۱۳۹۰: ۴۵)

سیره در اصطلاح دارای دو معناست:

۱. سیره در اصطلاح، گاه به معنای چگونگی و نوع عمل است. این چگونگی همان هیئت و حالت فعالیت آدمی است و از آنجا که هیچ فعالیتی بدون حالتی خاص تحقق نمی‌یابد و حالت رفتار، جدا از رفتار نیست؛ بنابراین سیره در این مفهوم همه رفتارها و فعالیت‌های آدمی را شامل می‌شود. این معنای اولیه و اصیل سیره است و البته چندان ربطی به سبک و قاعده رفتار ندارد. (حسینی زاده، ۱۳۸۴: ۹/۱)

۲. معنای دوم سیره «سبک و قاعده رفتار» است. این معنا اخص از معنای اول است و از آنجا که به طور معمول هر رفتار و عملکرد، به ویژه اگر از فاعل حکیم سر زده و به صورت پیوسته اتفاق بیفتد، تابع قانون و سبکی ویژه است، گاهی «سیره» به معنای سبک، شیوه و قاعده حاکم بر رفتار به کار می‌رود؛ و این همان معنایی است که شهید مطهری بدان اشاره دارد. اما در اصطلاح مورخان «سیره» بر همان معنای اول که هم رایج و هم دقیق است اطلاق شده و جای خرده‌گیری بر آنان نیست. البته بررسی سیره به معنای اول مقدمه‌ای است برای دستیابی به قواعد و سبک حاکم بر سیره، که همان معنای دوم است. (حسینی زاده،

۱۳۸۴: ۱۰/۱)





۱. ۲. مفهوم امر به معروف و نهی از منکر

۱. ۲. ۱. امر به معروف و نهی از منکر در لغت

ماده «امر» به دو معنی است یکی به معنی کار و چیز، جمع آن امور است مثل «وَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُن فَيَكُونُ» (آل عمران: ۴۷)؛ چون چیزی را اراده کند بدان گوید باشد پس باش می‌شود.

دیگری به معنی دستور و فرمان، امر به این معنی ضد نهی است مثل «قُلْ أَمْرٌ رَبِّي بِالْقِسْطِ» (اعراف: ۲۹)؛ بگو خدایم دستور داده است به عدل و قسط.

امر به معنی اول اسم مصدر و به معنای دوم مصدر است. در «قاموس قرآن» تألیف قرشی لفظ «امر» را بر ۱۶ معنی حمل کرده‌اند، ولی غالباً در این دو معنی فوق به کار رفته است. نهی نیز به معنی زجر و منع است (نها عنه ای زجره عنه و منعه عنه).

راغب اصفهانی می‌نویسد: «المعروف هو اسم لكل فعل يعرف بالعقل و الشرع حسنه و المنکر ما ینکر بهما» (راغب اصفهانی، همان: ۵۶۱)

معروف اسم است برای هر کاری که با عقل و شرع حسن آن شناخته می‌شود و منکر عملی است که با عقل و یا شرع قبیح آن معلوم گردد. (سعیدی، ۱۳۹۱: ۱۰)

۱. ۲. ۲. ۱. امر به معروف و نهی از منکر در اصطلاح

صاحب الشرایع می‌فرماید: «المعروف هو کل فعل حسن اختص بوظف زائد علی حسنه اذا عرف فاعله ذالک او دلّ علیه و المنکر کل فعل قبیح عرف فاعله قبیحه او دلّ علیه». (نجفی جواهری، ۱۳۶۲: ۳۵۶/۲۱)

معروف هر کار نیکی است که دارای صفتی زائد بر حسن باشد در صورتی که انجام دهند. حسن آن را شناخته یا بر آن راهنمایی شود و منکر هر کار قبیحی است که انجام دهنده قبیحی آن را شناخته یا بر آن راهنمایی شود. معروف از ماده «عرف» به معنای شناخته شده و منکر از



ماده انکار بمعنای ناشناس است. به این ترتیب کارهای نیک اموری شناخته شده و کارهای زشت و ناپسند اموری ناشناخته شده معرفی شده‌اند، چون فطرت پاک انسانی با دسته اول آشنا و با دسته دوم ناآشنا است.

به عبارت دیگر «معروف» یعنی هر چیزی که عقل و فطرت پاک انسانی آن را به نیکی و خیر بشناسد و «منکر» یعنی هر چیزی که عقل و فطرت آن را به نیکی نشناسد. بنابراین تمام واجبات و مستحبات و عبادات عنوان معروف دارند و کلیه محرمات و معاصی و زشتی‌ها منکر محسوب می‌گردند.

شهید مطهری در تعریف معروف منکر می‌فرماید: «معروف و منکر از نظر اسلام محدود به حد معین نمی‌شود و تمام هدف‌های مثبت اسلامی داخل در معروف و تمام هدف‌های منفی اسلامی داخل در منکر است».

به عبارت ساده کلمه معروف یعنی خوب و کلمه منکر یعنی بد. بهترین راه برای به دست آوردن مصداقه‌ای معروف و منکر مراجعه به شرع است. بر این اساس، هر چیزی را که شارع مقدس امر کرده و مردم را به انجام آن تشویق نموده آن چیز معروف است و بر عکس هر گاه شارع مقدس از چیزی نهی کرده و مردم را از انجام دادن آن نهی و سرزنش نموده، آن چیز منکر است. مثلاً ایمان، انفاق، تفکر، تقوا، تلاوت قرآن، عفو و بخشش، جهاد، توبه، شهادت، عدالت، شکر خدا به‌جا آوردن، احسان و نیکی، دعا، خوف خدا و صبر و شکیبایی از جمله معروف هستند و عصیان و گناه، کفر، جهل، نفاق، ظلم و ستم، بخل، خیانت، غیبت، دوستی با کافران، کتمان حق، دروغ‌گویی، تبهکاری، ترسو بودن و مخالفت با انبیاء خدا و غیره از مصادیق منکر هستند. (سعیدی، ۱۳۹۰: ۱۱)

۲. اهمیت امر به معروف و نهی از منکر

امام باقر علیه السلام درباره امر به معروف و نهی از منکر می‌فرماید:



انَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ سَبِيلُ الْأَنْبِيَاءِ وَ مِنْهَاجُ الصُّلَحَاءِ، فَرِيضَةٌ عَظِيمَةٌ، بِهَا تُقَامُ الْفَرَائِضُ وَ تَأْمَنُ الْمَذَاهِبُ وَ تَحُلُّ الْمَكَاسِبُ وَ تَرُدُّ الْمَظَالِمَ وَ تُعَمِّرُ الْأَرْضَ وَ يَنْتَصِفُ مِنَ الْأَعْدَاءِ وَ يَسْتَقِيمُ الْأَمْرُ... (كلینی، ۱۴۳۰: ۹/ ۴۸۲)

همانا امر به معروف و نهی از منکر، راه پیامبران و شیوه صالحان است. فریضه بزرگی است که در پرتو آن واجبات دیگر، اقامه می‌شود، راه‌ها ایمن، درآمدها حلال، مظالم به صاحبان اصلی مسترد، زمین آباد، حق از دشمنان باز پس گرفته می‌شود و امر (حکومت) تحکیم می‌یابد.

بر اساس این سخن ارزنده امام علیه السلام، به طور کلی بر پایی واجبات در گرو انجام فریضه بزرگ امر به معروف و نهی از منکر است و ترک آن موجب فراگیر شدن عذاب و خشم الهی نسبت به تمامی مردم خوب و بد می‌گردد و تحقق بعضی از امور و موضوعات مهم سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه نیز منوط به اجرای امر به معروف و نهی از منکر است. همچنین از این روایت استفاده می‌شود، دایره گسترش این دو فریضه بزرگ اسلامی همه اصلاحات اعتقادی، اخلاقی، فرهنگی و اجتماعی را در بر می‌گیرد و نه بخشی از مسائل عبادی.

امام باقر علیه السلام پنج اثر ارزنده این دو واجب الهی را چنین بر می‌شمرد:

۱. انجام واجبات: امر به معروف و نهی از منکر، راه پیامبران و روش صالحان است؛ واجب بزرگی است که به وسیله آن دیگر واجبات (الهی) بر پا می‌شود.

۲. عدالت اجتماعی: (امر به معروف و نهی از منکر) با برگرداندن مظالم و ستیز با ستمگر همراه است.

۳. سازندگی: به وسیله امر به معروف و نهی از منکر زمین (کشور) آباد می‌شود.

۴. استواری نظام: به وسیله امر به معروف و نهی از منکر، حکومت، استوار می‌گردد.

۵. امنیت: به وسیله آن، راه‌ها امن می‌گردد... و از دشمنان، انتقام گرفته می‌شود.



آری، به دلیل همین ارزش و اهمیت است که فقهای بزرگوار اسلام به امر به معروف و نهی از منکر عنایت ویژه‌ای مبذول داشته، آن دو را جزو ابواب مهم فقهی آورده و وجوبشان را به وسیله ادله چهارگانه (کتاب سنت، اجماع، و عقل) به اثبات رسانده‌اند. (حسینی شاهرودی، ۱۳۸۳: ۴)

۳. مراحل و اقسام امر به معروف و نهی از منکر

۳.۱. مرحله هجر و اعراض

علمای اسلامی برای امر به معروف و نهی از منکر مراتب و درجات و همچنین اقسامی قائل شده‌اند. [در مرحله اول گفته‌اند باید شخص از منکر] تنفر و انزجار داشته باشد، یعنی باید ریشه‌ای در روح و قلب و ضمیرش داشته باشد. و در مرحله بعد گفته‌اند اولین درجه و مرتبه نهی از منکر هجر و اعراض است؛ یعنی وقتی شما فرد یا افرادی را می‌بینید که مرتکب منکراتی می‌شوند، مرتکب کارهای زشتی می‌شوند، به عنوان مبارزه با او (نه مبارزه با شخص او بلکه مبارزه با کار زشت او) و برای اینکه او را از کار زشتش باز دارید، از او اعراض می‌کنید، وی را مورد هجر قرار می‌دهید، یعنی با او قطع رابطه می‌کنید. البته هجر در موردی است که کار شما اثر بگذارد و اثر آن هم تنبیه طرف باشد. (مطهری، ۱۳۹۰: ۱، ۲۳۰)

۳.۲. مرحله زبانی

درجه دومی که علما و دانشمندان برای نهی از منکر ذکر کرده‌اند مرحله زبان است، مرحله پند و نصیحت و ارشاد است. یعنی بسا هست آن بیماری که دچار منکری هست و عمل زشتی را مرتکب می‌شود، به خاطر جهالت و نادانی اوست، تحت تأثیر یک سلسله تبلیغات قرار گرفته است، احتیاج به مربی دارد، احتیاج به هادی و راهنما و معلم دارد، احتیاج به روشن کننده دارد، احتیاج به فردی دارد که با او تماس بگیرد، با کمال مهربانی با او صحبت



کند، موضوع را با او در میان بگذارد، معایب و مفسد را برای او تشریح کند تا آگاه شود و بازگردد. این مرحله نیز یک درجه از «نهی از منکر» است، به این معنی که در مواردی که کسی با ما تماس دارد و به یک عمل منکر و زشتی ابتلا دارد و ما می‌توانیم با منطقی روشن‌گر او را به ترک آن عمل قانع کنیم، بر ما واجب است که با چنین منطقی با آن شخص تماس بگیریم. (مطهری، ۱۳۹۰: ۱/۲۳۲)

۳.۳. مرحله عملی

مرحله سوم مرحله عمل است. گاهی طرف در درجه‌ای و در حالی است که نه اعراض و هجران ما تأثیری بر او می‌گذارد و نه می‌توانیم با منطقی و بیان و تشریح مطلب، او را از منکر بازداریم، بلکه باید وارد عمل شویم؛ اما وارد عمل شدن، مختلف است. معنای وارد عمل شدن تنها زورگفتن نیست، کتک زدن و مجروح کردن نیست. البته نه اینکه در هیچ جا نباید تنبیه عملی شود. بله، مواردی هم هست که جای تنبیه عملی است. اسلام دینی است که طرفدار حدّ است، طرفدار تعزیر است؛ یعنی دینی است که معتقد است مراحل و مراتبی می‌رسد که مجرم را جز تنبیه عملی چیز دیگری تنبیه نمی‌کند و از کار زشت باز نمی‌دارد. اما انسان نباید اشتباه کند و خیال کند که همه موارد، موارد سخت‌گیری و خشونت است. (مطهری، ۱۳۹۰: ۱/۲۳۲)

۴. امر به معروف لفظی و عملی

امر به معروف هم عیناً همین تقسیمات را دارد با این تفاوت که امر به معروف یا لفظی است یا عملی. امر به معروف لفظی این است که انسان با بیان حقایق را برای مردم بگوید، خوبی‌ها را برای مردم تشریح کند، مردم را تشویق کند و به آنها بفهماند که امروز کار خیر چیست.

امر به معروف عملی این است که انسان نباید به گفتن قناعت کند، گفتن کافی نیست. می‌شود گفت یکی از بیماری‌های اجتماع امروز ما این است که برای گفتن بیش از اندازه ارزش قائل هستیم. البته گفتن خیلی ارزش دارد، تا گفتن نباشد، روشن کردن نباشد، نوشتن و تشریح حقایق نباشد، کاری نمی‌شود کرد. اما گفتن، شرط لازم هست ولی کافی نیست، باید عمل کرد. (مطهری، ۱۳۹۰: ۱/۱۳۳)

هر یک از امر به معروف لفظی و امر به معروف عملی به دو طریق است؛ مستقیم و غیرمستقیم.

گاهی برای امر به معروف یا نهی از منکر، مستقیم وارد عمل شده و مطلب را گوشزد نموده اما گاهی بصورت مستقیم مثلاً تعریف از کسی که آن فعل را انجام داده، دیگری را تشویق به آن فعل می‌کنیم، که البته این روش مؤثرتر و مفیدتر است. (مطهری، ۱۳۹۰: ۱/۱۳۴)

یکی از راه‌های امر به معروف به شکل غیر مستقیم این است که خود انسان صالح و با تقوا باشد. وقتی خود انسان اینگونه باشد، مجسمه‌ای خواهد بود از امر به معروف و نهی از منکر. وقتی انسان بعد اینکه عمل کرد سخن گفت، اثر گفته‌اش چند برابر می‌شود.

حسین بن علی علیه السلام چقدر خطابه خواند و چقدر عمل کرد؟ حجم خطابه‌هایش چقدر کم و حجم اعمال او چقدر زیاد بود! وقتی عمل باشد، گفتن زیاد نمی‌خواهد..

حسین علیه السلام در خطابه‌اش فریاد می‌کشد: «فَمَنْ كَانَ بَاذِلًا فِينَا مُهْجَتَهُ مُوْطِنًا عَلَيَّ لِقَاءِ اللَّهِ نَفْسَهُ فَلْيُرْحَلْ مَعَنَا فَاتِي رَاحِلٌ مُصْبِحًا أَنْ شَاءَ اللَّهُ». (محمدی ری شهری، ۱۳۸۸: ۵/۱۰۰)

هر کس آماده است که خون دلش را در راه ما ببخشد، هر کس که تصمیم به لقاء پروردگار گرفته است، چنین کسی با ما کوچ کند (برگردد آن که در هوس کشور آمده است).

آن که از جان گذشته نیست با ما نیاید؛ قافله ما قافله ازجان گذشتگان است. (مطهری،



۵. امر به معروف و نهی از منکر در سیره امام حسین علیه السلام

امام حسین علیه السلام در طول زندگانی خود همواره به مسئله امر به معروف و نهی از منکر که از واجبات الهی می باشد اهتمام داشته اند. شخصیت ایشان به سبب تقوا و پرهیزگاری تجسمی از معروف و دوری از منکرات بود، امام علیه السلام در موقعیت های مختلف و با شیوه های متفاوت مردم را امر به معروف و نهی از منکر می کردند، که قیام عاشورا یکی از مصادیق بارز آن است. امام حسین علیه السلام از یک سو شناخت عمیق و دقیقی از تعالیم اسلامی داشت و از سوی دیگر مقتضیات زمان را در نظر می گرفت و با این اشراف دوجانبه و بر حسب سنت های جوامع، به تبلیغ و پیام رسانی پرداخت، گفتگوی رودررو با افراد، سخنرانی، نامه نگاری از جمله وسایل ارتباط جمعی حضرت در آن عصر به شمار می رفت.

امام علیه السلام می کوشید حتی در برخورد با مخالفان از روش خشم های افراطی و برخی نفرت های احساسی پرهیز کند و جاذبه را بر دافعه ترجیح داد، آن حضرت با تمام محدودیت های تبلیغی از وظیفه مهم امر به معروف و نهی از منکر که بالاتر از تبلیغ بود، بازنايستاد. او ناصحی مخلص، فروتن، شجاع عادل و بردبار بود که پیامش با رأفت و نرمش درهم آمیخته بود. (گلی زواره قمشه ای، ۱۳۸۷: ۱۳)

امام علیه السلام در برخورد با افراد، روشی هدایتگرانه، دل سوزانه و خیرخواهانه داشت و بر این اساس، اصلاح جامعه اسلامی را تنها راه نشر آموزش های دینی و تخریب فرهنگ مهاجم اموی می دید و لذا در فراز و نشیب قیام مقدّسش از مدینه تا کربلا همواره به روش مشفقانه ای عمل می کرد درحالی که در مقابل سران فاسد و منحرف دستگاه ستم، روشی کاملاً ویرانگرانه داشت. (گلی زواره قمشه ای، ۱۳۸۷: ۱۲)

در ادامه به برخی از موارد امر به معروف و نهی از منکر در سیره امام حسین علیه السلام و شیوه های تربیتی آنها اشاره می شود که به دو بخش زبانی و عملی تقسیم شده است:

۵. ۱. روش‌های تربیتی امر به معروف و نهی از منکر زبانی در سیره امام حسین علیه السلام

۵. ۱. ۱. صداقت داشتن در کلام

امام حسین علیه السلام از دوران کودکی به نهی از منکر توجه داشته است. چون نخستین خلیفه بر منبر رسول خدا صلی الله علیه و آله بالا رفت و آماده ایراد خطبه‌های جمعه شد، امام سوم وارد مسجد گردید و به سوی خلیفه شتافت و گفت: این منبر جایگاه خطابه پدر من است، او گریست و گفت: راست گفתי این جایگاه از آن امیرالمؤمنین علیه السلام است و پدر مرا منبری نبوده است! (معهد تحقیقات باقرالعلوم علیه السلام: ۱۱۰)

و چون دومین خلیفه بر منبر رسول خدا صلی الله علیه و آله بالا رفت تا برای مردم سخنرانی کند، در ضمن گفته‌هایش این جمله را بر زبان آورد: من نسبت به مؤمنان از خودشان سزاوارترم، امام حسین علیه السلام که در آن مسجد حضور داشت، از گوشه مجلس فریاد زد: ای دروغگو، از منبر جدم فرود آی این منبر پدرت نمی‌باشد!

خلیفه ثانی بیانات امام را تأیید کرد و گفت: آری راست گفתי، آیا پدرت این سخنان را به تو آموزش داده است؟ امام حسین علیه السلام در جوابش فرمود: اگر آنچه را پدرم بفرماید فرمان برم، او هدایتگر و من هدایت شده خواهم بود. بیعت پدرم که جبرئیل آن را از جانب خدای نازل فرمود در گردن این مردمان است و آن را کسی انکار نمی‌کند مگر آن که کتاب خدای را منکر گردد.

این مردم با قلب‌هایشان آن را شناخته‌اند، ولی به زبان‌ها منکر گشته‌اند. وای بر آنان که حق ما اهل بیت را انکار کنند، چگونه رسول خدا صلی الله علیه و آله با آنان روبه‌رو خواهد شد؟ با خشمی پیوسته و عذابی شدید و دردناک.

خلیفه گفت: ای حسین، لعنت خداوند بر کسی که حق پدرت را انکار کند، ولی مردم ما را به امارت برگزیدند و ما هم پذیرفتیم. امام حسین علیه السلام در جوابش فرمود: کدامین مردم تو را



به امارت برگزیدند (دراین باره) هیچ حجتی از جانب پیامبر در دست ندارید و اهل بیت او هم به این کار رضایت نداده‌اند. (همان: ۱۱۶)

آمر به معروف و ناهی از منکر همواره باید در سخن خود صادق باشد و برای تأیید سخنان خود به دلیل محکم و درست استناد نماید تا طرف مقابل او نتواند در مقابل توجیهی بیاورد.

۵. ۱. ۲. شیوه استدلال منطقی و نیکو

جوانی خدمت امام حسین رسید و عرض کرد: من گناهکارم و نمی‌توانم خود را از انجام گناهان باز دارم، مرا نصیحتی فرما. امام علیه السلام به او فرمودند: پنج کار انجام بده و آنگاه هرچه می‌خواهی گناه کن: پس اول، روزی خدا را نخور و هرچه می‌خواهی گناه کن؛ دوم، از حکومت خدا بیرون برو و هرچه می‌خواهی گناه کن؛ سوم، جایی را انتخاب کن تا خداوند تو را نبیند و هرچه می‌خواهی گناه کن؛ چهارم، و وقتی عزرائیل برای گرفتن جان تو آمد او را از خود بران و هرچه می‌خواهی گناه کن؛ و پنجم، زمانی که مالک دوزخ تو را به سوی آتش می‌برد، در آتش وارد نشو و هرچه می‌خواهی گناه کن. (الشعیری، بی‌تا: ۱۳۰)

بنابر روایت بیان شده، امر به معروف و نهی از منکر بهتر است از طریق استدلال منطقی صورت پذیرد تا شخص مقابل را قانع کند و حجت را بر او تمام نماید.

۵. ۱. ۳. توجه دادن به عواقب گناه

حضرت در مواردی، با بیان عواقب و نتیجه گناه، شخص را آگاه کرده و او را از ادامه معصیت و نافرمانی خدای متعال باز می‌داشتند. ایشان به مردی که غیبت می‌کردند فرمودند: «ای مرد! از غیبت کردن پرهیز؛ زیرا [حقیقت و باطل] غیبت [در قیامت به صورت] خورش و غذای سگان جهنم نشان داده می‌شود». (الحرانی، ۱۳۶۳: ۲۴۵)

گاهی شخص عاصی یا از عواقب گناه خود خبر ندارد و یا اینکه می‌داند اما از آن غافل شده است، در این شرایط بهتر است عواقب فعلش را به او یادآوری نمود تا بدین سبب از آن دست بکشد.

۵. ۱. ۴. مطالبه فریضه امر به معروف و نهی از منکر از مسئولان جامعه

امام حسین علیه السلام در نامه‌ای تند و کوبنده، بزرگان و عالمان را توبیخ و سرزنش فرمودند که چرا در برابر بی عدالتی، ظلم و نابود کردن اسلام، سخن و حرکتی انجام نمی‌دهند: «شما می‌بینید که حقوق و پیمان‌های خداوند شکسته می‌شود و فریاد نمی‌زنید، درحالی‌که برای بعضی از حقوق از دست رفته اجداد و پدرانتان فریاد بر می‌آورید. حقوق رسول خدا پایمال شده و به یغما رفته است و کوران، کران و بینوایان در کشور رها شده و مورد توجه و رحمت قرار نمی‌گیرند. شما در مسئولیت خویش، در حد توانایی خود کار نمی‌کنید و به کسی که وظیفه خود را انجام می‌دهد نیز اعتنا ندارید و به مسامحه و سازش با ستمگران و همکاری با آنان خود را آسوده می‌سازید. این بدین جهت است که خداوند شما را به جلوگیری از منکرات فرمان داده و شما از آن غافلید. برای اینکه نتوانستید مقام دانشمندان را حفظ کنید، این مقام و موقعیت از شما گرفته شد. شما مردمی هستید که بیشترین گرفتاری را دارند. ای کاش برای حفظ موقعیت خود کوشش می‌کردید؛ زیرا زمام امور باید در دست کسانی باشد که عالم به احکام خدا و حلال و حرام او هستند. شما این مقام را داشتید؛ اما به خاطر جدا شدن از حق و پراکندگی از سنت پیامبر آن را از دست شما گرفتند، با اینکه دلیل روشن داشتید. (همان: ۲۳۸)

کسانی که در جامعه دارای مقام و جایگاهی هستند و به سبب آن نزد مردم اعتبار دارند لازم است در انجام این فرایض الهی اهتمام بیشتری داشته باشند، اگر این افراد وظایف خود را فراموش کردند نباید به خاطر جایگاه آنها، از امر به معروف و نهی از منکر آنها خودداری کنند، بلکه باید این امر مهم را به آنان گوشزد نمود.



۵. ۱. ۵. گوشزد نمودن وضعیت جامعه از لحاظ عمل به دستورات الهی

امام مردم را مخاطب قرار داده، به آنان گوشزد می‌کنند که واجبات الهی ترک و محرمات انجام می‌شوند و از اسلام فقط اسمی بر جای مانده و مغز و حقیقت آن توسط خلفای سابق، به ویژه معاویه، تغییر کرده است و یزید و اطرافیانش به این پوسته ظاهری نیز رحم نکرده، در حال نابود کردن آن هستند. بنابراین حضرت می‌فرماید: «این دنیا دگرگون و ناآشنا شده و کارهای خوب و نکویش پشت کرده و جز مقدار ناچیزی (همانند ته مانده ظرف) و زندگی پستی (چون چراگاهی) از آن باقی نمانده است. مگر نمی‌بینید کسی به حق و [دستورات اسلام] عمل و از باطل [و کار حرام و ناشایست] خودداری نمی‌کند؟ (همان: ۲۴۵)

شخصی که امر به معروف و نهی از منکر می‌کند باید نسبت به جامعه خود در بی‌خبری نباشد، باید بداند چه چیزی در جامعه شایع است، اگر این امر معروف است به اشاعه بیشتر آن کمک کند و اگر منکر است به مردم نسبت به آن آگاهی بدهد و در مقابل آن به روشنگری بپردازد.

۵. ۱. ۶. شیوه برخورد قاطعانه مقابل حکام جور

وقتی معاویه روی کار آمد در مسند خلافت اسلامی به خلافت‌های زیادی روی آورد، شرابخواری، رباخواری، ملحق نمودن زنا زاده به خود که ضد دستور رسول خدا ﷺ بود، ترک حدود الهی و ولیعهدی یزید از جمله برنامه‌های فاسد و ضد دینی او بود.

معاویه نامه‌ای تهدیدآمیز برای امام حسین علیه السلام نوشت و در آن تأکید نمود: «ای حسین بترس از آنکه اختلافی میان مسلمانان ایجاد کنی و آنها را دچار فتنه سازی؟!». (القرشی، ۲، ۲۲۴)

امام علیه السلام در نامه‌ای به معاویه، پاسخی کوبنده به وی داد و پاره‌ای مفسد او را برشمرد و جنایت فرزند ابوسفیان را افشاء نمود و در فرازی از آن فرمود:

خدا هیچ گاه تو را فراموش نخواهد کرد که مردم را به محض گمان، دستگیر می‌کند و اولیای خداوند را با تهمت می‌کشد و از خانه هایشان به جاهای دور دست تبعید می‌کند و برای پسر از مردم بیعت می‌گیری، پسر نوری که شراب می‌خورد، با سگان بازی می‌کند و تو را جز این نمی‌بینم که خود را به خسران افکنده و دین و آیین خود را نابود کرده و زیردستان حکومت خود را فریب داده ای و به گفتار سفیه نادان گوش فراداده و انسان پارسا و با تقوایی را ترسانده‌ای... (الدینوری، ۱۴۱۰: ۱/ ۲۰۴)

امام علیه السلام در این نامه اعمال زشت و رفتارناپسند معاویه را به او یادآور می‌شوند، و موضع خود و مخالفت صریح خود را با او اعلام می‌کند، این نامه نشان می‌دهد امام علیه السلام در برابر سلطینی که در مقابل دین خداوند قرار گرفته‌اند نرمش ندارند بلکه سرسختانه آنان را مورد مؤاخذه قرار می‌دهند.

۵. ۱. ۲. نهی از منکر از طریق ریشه‌یابی منکر در شخص

گاهی امام حسین علیه السلام در نهی از منکر، ریشه و علت انجام کارهای حرام را بیان کرده، افراد خطاکار را با این روش از انجام و ادامه منکر بر حذر می‌داشتند. امام در کربلا رو به لشکر «عمر بن سعد» کرده، است، علت مخالفت و دشمنی آنها با خویش را چنین ذکر می‌فرماید: «وای بر شما! شما را چه زیان که به من گوش دهید و گفتار مرا که به راه راست فرا می‌خوانم، بشنوید؟!... شما از من نافرمانی می‌کنید و به سخنان من گوش نمی‌دهید، زیرا شکم‌های‌تان از حرام پر شده و بر دلهای‌تان مهر [غفلت] خورده است. وای بر شما! چرا گوش نمی‌دهید؟ چرا سخنان مرا نمی‌شنوید؟ (مجلسی، ۱۴۰۳: ۸/۴۵)

گاهی لازم است برای جلوگیری از منکر، افراد را از علت و ریشه فعلشان آگاه نمود تا با درمان ریشه‌ای آن، از فعل منکر دور شود و آن را ترک نماید.



۵.۲. روش‌های تربیتی امر به معروف و نهی از منکر عملی در سیره امام حسین علیه السلام

امام حسین علیه السلام در مواردی، با رفتار و عمل خویش دیگران را به کارهای نیک راهنمایی و از کارهای زشت و منکر باز میداشت. حضرت در مقابل ظلم افراد جنایتکار و ظالم، با تمام توان خویش می‌ایستاد و آنان را به خطا بودن اعمالشان آگاه می‌کرد. (صادقی خرم آبادی، ۱۳۹۸: ۴۱)

۵.۲.۱. امر به معروف و نهی از منکر از طریق زنده نگه داشتن نام اولیاءالله

بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله، با مکر معاویه که از حضرت علی علیه السلام کینه داشت و با دستور او، روی منبرها لعن و نفرین بر امام را بر خود واجب می‌دانستند؛ در چنین شرایطی، امام حسین علیه السلام در هر فرصت و موقعیتی با اهداف شوم معاویه مبارزه کردند. از جمله:

امام سجاد علیه السلام می‌فرمایند: من نزد مروان بودم، گفت نام تو چیست؟ گفتم: «علی بن الحسین» گفت: نام برادرت چیست؟ گفتم: «علی». گفت: چه خبر است، علی و علی؟ به چه جهت پدرت نام همه فرزندان خود را علی می‌گذارد؟ من نزد پدرم بازگشتم و جریان را برای ایشان شرح دادم. پدرم فرمودند: «وای بر پسر زن کبود چشم! اگر برای من صد پسر متولد شود، دوست دارم نام همه آنها را علی بگذارم». (کلینی، ۱۴۳۰: ۱۱/۳۶۹)

یکی از راه‌های امر به معروف زنده نگه داشتن اسم و یاد کسانی است که وجود آنها، تجسمی از دعوت و به خیر و نیکی و دوری از پلیدی است، اشاعه یاد و نام و سیره اهل بیت علیهم السلام که خود پرچمدار این امر بوده‌اند و پیروان آنها از جمله راه‌های مؤثر در این مسئله می‌باشد.

۵. ۲. ۲. حمایت از نیکان و بندگان صالح خداوند

ابوذر غفاری که زبان گویای اهل بیت علیهم السلام بود، بارها با خطابه و سنان آتشین و غرای خود، ماهیت و چهره واقعی معاویه و عثمان را برای مردم بازگو و نقشه‌های خطرناک آنان را افشا می‌کرد. سرانجام عثمان او را تبعید کرد و هر گونه ارتباط با او را ممنوع اعلام نمود، اما امیرالمؤمنین علی علیه السلام، حسنین علیهم السلام، عقیل و عمار یاسر او را تا خارج از شهر همراهی کردند و با این کار، مخالفت خود با عثمان را اظهار داشتند. (ابن ابی الحدید، بی تا: ۸/ ۲۵۲)

از جمله راه‌های عملی در جهت امر به معروف و نهی از منکر، حمایت و اظهار همراهی با کسانی است تسلیم در برابر خداوند و اهل بیت او هستند، این عمل سبب تقویت جبهه حق و ضعیف شدن جبهه باطل می‌شود.

۵. ۲. ۳. استفاده از شیوه غیر مستقیم

سرور جوانان بهشت، امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام پیرمردی را دیدند که وضو را صحیح انجام نمی‌دهد. هر دو بزرگوار برای راهنمایی پیرمرد نزد وی رفته، از او خواستند وضوی آنان را ببیند و بگوید کدام یک از آنها بهتر و صحیح وضو می‌گیرد. بعد از وضو گرفتن این دو امام، پیرمرد که به اشتباه خود پی برده بود، به آنها عرض کرد: هر دو خوب وضو می‌گیرید و من پیرمرد ناتوانم که درست وضو نمی‌گیرم، ولی به برکت مهربانی شما با امت جدتان، امروز وضو گرفتن صحیح را از شما آموختم. (ابن شهر آشوب، بی تا: ۳/ ۱۶۹)

برای امر به معروف و نهی از منکر، باید از روشهایی استفاده کرد که عزت نفس شخص مقابل رعایت شود، مخصوصاً زمانی که شخص از نظر جایگاه یا سن بیشتر از شخص تذکر دهنده باشند، زیرا در صورتی که سبب بی‌احترامی شود و یا نحوه تذکر موجب شود کوچک شدن شخصیت او شود، ممکن است منجر به نتیجه عکس شود.





۵. ۲. ۴. اعلام براءت از حکام ظالم و آشکار نمودن جنایات آنها

امام حسین علیه السلام هرگاه با معاویه روبه‌رو می‌شد، از اعمال و جنایات کثیف و ننگین او براءت می‌جست و ماهیت حقیقی او را برای مردم آشکار می‌نمود که خود، نوعی نهی از منکر عملی محسوب می‌شود.

در منابع تاریخی و روایی آمده است:

در سالی که معاویه، حجر بن عدی و یارانش را به شهادت رساند، روزی امام را دید و عرض کرد: ای اباعبدالله! آیا از آنچه با حجر و یارانش که از پیروان پدرت بودند، کرده‌ام، خبر داری؟ حضرت فرمودند: نه. معاویه گفت: ما آنان را کشتیم و کفن کردیم و بر آنان نماز خواندیم. امام حسین علیه السلام خندید و فرمود: «آنان در روز قیامت بر تو احتجاج می‌کنند. ای معاویه! بدان که به خدا سوگند! اگر ما چنین کاری را با پیروان تو می‌کردیم، نه آنان را کفن می‌کردیم و نه بر آنان نماز می‌خواندیم. (طبرسی، ۱۴۱۷: ۲/۲۹۶)

حضرت در این سخن و با تلنگری به خروج معاویه و پیروانش از مسیر اسلام اشاره کرده، مسلمانان ندانستن آنها را اعلام کردند. (صادقی خرم آبادی، ۱۳۹۸: ۴۳)

در برابر حکام جور و کسانی که از روی نافرمانی خداوند، اقدام به منکرات و ترویج آن می‌کنند باید در حد توان مقابله نمود و نسبت به اعمال زشت آنها اعلام براءت و انزجار نمود و نسبت به اعمال زشت آنها برای مردم روشنگری نمود.

۵. ۲. ۵. استفاده از مناسک مذهبی و اجتماع مسلمین جهت امر به معروف و نهی از منکر

امام حسین علیه السلام در مراسم حج درباره کارهای ناشایست معاویه، فرمودند:

... این ستمگر (معاویه) با ما و شیعیان ما کاری کرد که شما می‌دانید و دیدید و شاهد بودید و به شما خبر آن رسید! من می‌خواهم از شما چیزی بپرسم، اگر راست گفتم، مرا تصدیق کنید و اگر دروغ گفتم، مرا تکذیب نمایید.

سپس فرمودند:

از اینجا که رفتید و خواستید سخنانم را نقل کنید، همه یاران خود را در قبایل تان و کسانی از مردم را که به آنان اطمینان دارید، گرد آورید و آنان را به آنچه از حق و حقیقت ما می‌دانید، فرا خوانید، زیرا نگرانم این حق (اسلام و امامت) از یادها برود و مغلوب باطل شود؛ «و خداوند نورش را به پایان خواهد رساند هر چند کافران آن را ناخوش دارند» (طبرسی، همان: ۲/ ۲۹۶) حاضران همگی سخنان حضرت را تایید کردند.

حج از جمله مناسک باشکوه دین اسلام است که مسلمانان زیادی از نقاط مختلف دنیا برای انجام این عمل عبادی رهسپار این مکان مقدس می‌شوند، امام حسین علیه السلام در میان این افراد به روشنگری می‌پردازد، ما نیز می‌توانیم از جمع‌های مذهبی و معنوی خود برای شناخت و گسترش نیکی و شناخت منکرها و جلوگیری از آنها استفاده نماییم.

۵. ۲. ۶. قیام عملی برای برچیدن منکرات

امام حسین علیه السلام در قیامی که ترتیب داد و رهبری آن را به عهده گرفت به همین اصل امر به معروف و نهی از منکر تمسک نمود، از زمان معاویه مشخص بود که مفسد برایش قابل تحمل نمی‌باشد و باید هرچه زودتر جلو این باتلاق‌های گناه و آلودگی‌های دستگاه فرمانروایی یزید را بگیرد چرا که این وضع قانون خدا را عوض می‌کند، حدود اسلامی را بر هم می‌زند و بنابراین هر کس در این شرایط ساکت بماند مانند آنهاست، او حتی در یک سخنی، خود را برای اجرای این اصل شایسته دانست و فرمود: «و انا احق من غیر؛ من از تمام افراد دیگر برای آن که دستور جدم را عملی کنم لایق‌ترم.» (گلی زواره قمشه ای، ۸)



امام علیه السلام به هنگام حرکت از مدینه به سوی مکه در وصیتنامه‌ای که نگاشت و با مهر خویش مهور ساخت و تحویل برادرش محمد حنفیه داد این نکته اساسی را مورد توجه جدی قرار داد: «و اتی لم اخرج اشراً و لا بطراً و لا مفسداً و لا ظالماً و انما خرجت لطلب الاصلاح فی امة جدی. ارید ان آمر بالمعروف و انهی عن المنکر و اسیر بسیرة جدی و ابی علی بن ابی طالب...».

و من نه از روی خودخواهی و یا برای خوشگذرانی و نه برای فساد و ستمگری از مدینه بیرون می‌آیم بلکه هدفم از این مسافرت امر به معروف و نهی از منکر می‌باشد و مقصدم از این حرکت اصلاح مفاسد امت و احیای سنت جدّم و راه و روش پدرم علی بن ابی طالب علیه السلام می‌باشد. (خوارزمی، ۱۳۸۱: ۱/ ۲۷۳)

بر اساس این وصیت‌نامه، امام اگر از او تقاضای بیعت هم نکنند بازهم آرام نخواهد نشست، زیرا مخالفتش با دستگاه اموی بر سر این موضوع نیست که با سکوت آنان در امر بیعت، او هم خاموش گردد، بلکه وجود چنین حکومتی موجب پیدایش ستم، افزایش فساد و تغییر در احکام گردیده و باید به پا خاست و ریشه این نابسامانی را که خاندان بنی امیه هستند قلع و قمع نماید. پس مشخص می‌گردد امام حسین علیه السلام ارزش اصلی قیام خودش را از امر به معروف و نهی از منکر گرفته است، زیرا این اصل ضامن بقای اسلام است و اگر نباشد دیگر اسلامی وجود ندارد، یک نوع رسیدگی اصولی و زیربنایی به وضع جامعه اسلامی می‌باشد، پالایش اجتماع است، اگر این بازرسی در کار نباشد، دنبالش تفرقه و متلاشی شدن است، عفونت خلاف و گناه، پیکر پاک جامعه را نابود می‌سازد و جالب این است که بازماندگانش از بعد روز عاشورا به عنوان یک تشکّل امر به معروف و نهی از منکر درآمدند و تا پایان ماجرا هم هر کجا بودند برای چنین اصل حیاتی تلاش کردند. (گلی زواره قمشه‌ای،



گاهی منکرات در جامعه چنان گسترش می‌یابد که برای جلوگیری از خاموش شدن نور حق و حقیقت لازم است بهای سنگینی داده شود، در چنین شرایطی ما با تأسی از امام حسین علیه السلام باید نباید حتی از فدا کردن جان خود در این راه دریغ نماییم.

۵. ۲. ۷. اظهار عقاید و آشکار کردن آن برای روشن شدن حقیقت

از مهم‌ترین و آموزنده‌ترین صحنه‌های حادثه کربلا، اقامه نماز جماعت در روز عاشورا است. امام در بحبوحه جنگ که از هر طرف تیر و نیزه پرتاب می‌شد و هر لحظه ممکن بود به ایشان اصابت کند، هنگامی که یکی از یارانش توجه داد که دقت نماز ظهر است، فرمودند: «نماز را یادآوری نمودی، خدای متعال تو را از نمازگزاران و ذاکران قرار دهد». (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۱/۴۵)

اقامه نماز آن هم به صورت جماعت در ظهر عاشورا و در مقابل دشمنان، نشان دهنده این بود که امام خود عامل به دین خداوند است و کشتن ایشان جایز نیست و در واقع نوعی نهی کردن آنها از ارتکاب چنین فعلی است.

گاهی لازم است عقاید خود را آشکارا ابراز نماییم تا اختلافات از بین برود حتی در صورتی که طرف مقابل با آشکار شدن حقیقت باز خلاف آن عمل نمود، ما عمل به تکلیف نموده و حجت برای او تمام می‌شود.

۵. ۲. ۸. دعوت به معروف و نهی از منکر از طریق رفتار انسانی

وقتی امام حسین علیه السلام با سپاه خود در مسیر مکه به کربلا به سرزمین «اشراف» رسید، دستور داد تمام مشک‌ها را پر کنند. در منزل بعدی به نام «ذوحسم»، با نخستین سپاه «ابن زیاد» به فرماندهی «حرّ بن یزید ریاحی» برخورد کردند. آنان که برای دستگیری حضرت آمده بودند، خیلی تشنه و بی‌آب بودند. حضرت فرمودند: این قوم و اسب‌هایشان را سیراب کنید! اصحاب امام به آنان آب دادند و حتی اسب‌هایشان را سیراب کردند!



«علی بن طعان محارمی» می‌گوید: من آخرین نفر از سپاه یزیدیان بودم که به دست امام حسین علیه السلام آب خوردم. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۴/۳۷۶)

حضرت در این برخورد زیبا، به عالمیان فهماندند که هیچ‌کسی حق ندارد دیگری را از خوردن آب منع کند، حتی اگر دشمن او باشد.

افعال انسانی و نیکوی امر به معروف می‌تواند حتی دشمنان را به نیکی دعوت نماید و آنها را از انجام اشتباه بازدارد، همانگونه که رفتار امام حسین علیه السلام سبب بازگشت حر از سپاه دشمن شد.

نتیجه:

بررسی سیره معصومین علیهم السلام همواره برای انسان طالب سعادت راه گشا است. با توجه به آنچه از سیره امام حسین علیه السلام در باره امر به معروف و نهی از منکر در زندگی ایشان بیان گردید، می‌توان به این نتیجه رسید که:

۱. امر به معروف و نهی از منکر برای سعادت جامعه و دوری از شقاوت لازم است.
۲. این فریضه باید باشناخت کافی نسبت به معروف و منکر صورت پذیرد.
۳. خود شخص باید عامل به گفته‌های خویش باشد.
۴. برای امر به معروف و نهی از منکر روش‌هایی است که شخص باید با آنها آشنایی داشته باشد.
۵. روش نهی از منکر حکام جور با سایر افراد یکسان نیست.
۶. برای اشاعه نیکی و جلوگیری از باطل باید از امکانات و شرایط مساعد بهره جست.
۷. شیوه امر به معروف و نهی از منکر ما از طریق استدلال منطقی و همراه باصدق باشد.
۸. در برابر منکراتی که حقیقت دین را به خطر می‌اندازند نباید سازش نمود.
۹. احترام و کرامت انسانها در هنگام تذکر حفظ شود.

منابع و مأخذ:

قرآن کریم

قرآن

نهج البلاغه

۱. ابن شهر آشوب (بی تا)، مناقب آل ابی طالب، محقق: لجنه من أساتذہ النجف الأشرف، ناشر: النجف الأشرف.
۲. اخطب خوارزم، موفق بن احمد (۱۳۸۱)، مقتل الحسین علیه السلام، تهران: انوار الهدی.
۳. الحرانی، ابن شعبه (۱۳۶۳)، تحف العقول، تصحیح و تعلیق: علی اکبر الغفاری، قم: مؤسسة النشر الاسلامی (التابعة) لجماعة المدرسين بقم المشرفة.
۴. اصفهانی، راغب (۱)، المفردات فی غریب القرآن، بیروت/ دمشق: دار القلم/ الدار الشامیه.
۵. حسینی زاده، سید علی (۱۳۸۴)، سیره تربیتی پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام، ۱۳۸۴
۶. حسینی شاهرودی، سید محمد (۱۳۸۳)، «امر به معروف و نهی از منکر در نهضت امام حسین»، مجله حصون، ش ۲۰.
۷. الدینوری، ابن قتیبه (۱۴۱۰)، الامامه و السیاسه المعروف بتاریخ الخلفاء، بیروت: دار الأضواء.
۸. سعیدی، محمد حسن (۱۳۹۱)، «پایان نامه تاثیر امر به معروف و نهی از منکر در اجتماع»، ۱۳۹۱.
۹. سید بن طاووس، علی بن موسی بن طاووس (۱۴۲۴)، اللهوف علی قتلی الطفوف، قم: انوار الهدی.
۱۰. شعیری، محمد بن محمد (بی تا)، جامع الأخبار، نجف: مطبعة حیدریه.





۱۱. صادقی خرم آبادی، محمود (۱۳۹۸)، «امر به معروف و نهی از منکر در سیره امام حسین علیه السلام بخش اول»، نشریه مبلغان، ش ۲۴۴.
۱۲. طبرسی، ابو علی فضل ابن حسن (۱۴۱۷)، اعلام الوری بأعلام الهدی (ط- الحدیثه)، محقق/ مصحح: مؤسسة آل البيت عليه السلام، قم: آل البيت عليه السلام.
۱۳. طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳)، الاحتجاج علی أهل اللجاج، محقق/ مصحح: محمد باقر خراسان، مشهد: نشر مرتضی.
۱۴. قرشی بنایی، علی اکبر (۱۴۱۲)، قاموس قرآن، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۱۵. کلینی، ابو جعفر بن یعقوب (۱۴۳۰)، الکافی، ۱۴۳۰ه ق
۱۶. گلی زواره قمشه ای، غلامرضا (۱۳۸۷)، «امر به معروف و نهی از منکر در سیره، سخن و قیام امام حسین عليه السلام»، مجله پاسدار اسلام، ش ۳۲۵.
۱۷. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۸)، دانشنامه امام حسین علیه السلام بر پایه قرآن، حدیث و تاریخ، قم: دارالحدیث.
۱۸. مطهری، مرتضی (۱۳۹۰)، سیری در سیره نبوی، قم: صدرا.
۱۹. مطهری، مرتضی (۱۳۹۰)، حماسه حسینی، قم: صدرا.
۲۰. نجفی جواهری، شیخ محمد حسن (۱۳۶۲)، جواهر الکلام، بیروت: ناشر: دار احیاء التراث العربی.